

مهاجرت از روستاها به شهر

بخش II

تحلیل هلال مهاجرت

از بررسی آماری بخش اول ، این نتایج حاصل شد:

- ۱- تعداد مهاجرین از روستاها ، به سرعت در افزایش ابعاد مهاجرت ، هم جمعیتی است
- ۲- در طول زمان برونسخت مناطق مهاجرفرس مهاجرین افزوده شده ، ولی افزایش مناطق جذب در قلیل است .

۳- تهران ، منطقه شهری بی رقیب ایران ، عملاً جذب می نماید .

۴- رشدتعداد مهاجرین با افزایش جمعیت کشور و مهاجرت در ایران ، ماهیتاً دارای هدف های

به روستا محدود و موقتی است .
روند افزایش مهاجرین و گسترش مناطق مهاجر فرست
ناشتاب بیشتر ادامه یابد .

۴- چنین روند فزاینده

به شهرها ، همانند سایر پدیده های اجتماعی ، معلول
نگوونگی آنها به طور نامنظم ، گاه به صورت اظهار نظر
مناسب و نامناسب ، به صورت گفتار و نوشتار نام
نوع مهاجرت در ایران ، عموماً و مهاجرت از روستاها
آن به طور یکپارچه و منسجم بررسی نشده و البته که
راه است .

ناحیظنران آمار و جغرافیای انسانی ، کارشناسان امور
مستمداران و برنامه ریزان و به طور کلی هر آنکه با مسایل
کدام از دیدی معین ، نسبت به موضوع مهاجرت توجه
وضیح این واقعه پردازند و یا خود را موظف به چنین
حد اکثر فایده این اظهار نظرها ، آن بوده که بر واقعیت
تأکید کرده و آن را نه محصول تصادفی امور ، بلکه
مبن معرفتی نموده اند .

بر این نگرشها از ویژگی مشترکی برخوردارند و آن
بود بین شهر و روستا اهمیتی خاص داده و مهاجرت را ،
توت بین شهر و روستا دانسته اند . برای وقوف بر کیفیت
هایی از آن - که مستدل تر می نمایند و لااقل در مرحله ای
کرد می باشند - ضروری به نظر می رسد :

پیروی انسانی سازمان برنامه و بودجه ، مهاجرت از روستاها

به شهرها را تابع نابرابری درآمدها، نابرابری امکانات نسبی تحصیل در آمد، تفاوت بین شکل و ترکیب فرصت‌ها و درعین حال تمایلات باطنی مهاجرین دانسته است. طبق این نظر، جستجوی کار و کار بهتر و همچنین جستجوی اشتغال با سطح درآمد بیشتر، مهم‌ترین انگیزه مهاجرت از روستا به شهر بوده است. نابرابری دسترسی به اشتغال ناشی از نابرابری فرصت‌های آموزشی از نظر جنسی و توزیع جغرافیایی آن و همچنین اختلاف قشرهای اجتماعی به صورت عدم دسترسی خوش‌نشینان روستایی به ابزار تولید (زمین، آب، نیروی مکانیکی و غیره) و یا به صورت عدم دسترسی گروه‌های کم‌درآمد به سرمایه و یا هر دو، از علل ذکر شده در این نشریه می‌باشد^۱.

سازمان برنامه و بودجه کشور، عدم موفقیت در بسط و گسترش کشاورزی را یکی از عوامل اساسی مهاجرت به شهرها دانسته است. طبق این نظر «پیروی از الگوی نابرابری در توسعه بین بخش‌های اقتصادی (کشاورزی و صنعت) از یک طرف، و درون بخش‌های صنایع (صنایع کوچک در مقابل صنایع به اصطلاح مدرن و وابسته) و کشاورزی (کشت و صنعت یا کشت‌های سرمایه‌ای در مقابل خرده-مالکین، زارعین مستأجر و کشاورزی معیشتی) از طرف دیگر، موجب آن گردیده تا منافع حاصل از رشد اقتصادی کشور نصیب سرمایه‌داران (در شهر و روستا) گردد و به نابرابری توزیع درآمدها، چه در مناطق شهری و چه در مناطق روستایی، منجر گردد».

«نظریات دیگر و هم زمینه در توجیه تفاوت‌ها به عنوان تنها علل مهاجرت»

چنین اند:

- مهاجرت ناشی از تفاوت دستمزد در شهر و روستاست. این تفاوت روزبه‌روز، با افزایش دستمزد در شهرها و تقلیل و یا ثابت ماندن دستمزد در روستاها، بیشتر شده و با به هم خوردن تعادل موجود، روستاییان را برای یافتن کار روانه شهرها می‌کند. تمرکز هزینه‌های عمرانی در شهرها، سرمایه‌گذاری در مؤسسات

تولیدی مانند کارخانجات و در امور زیربنایی مانند راهسازی، تأسیسات انرژی و امور رفاهی، تفاوت بین شهر و روستا را افزایش می‌دهد. هجوم روستاییان به شهرها، حاصل این تفاوت‌ها و عدم تعادل بین شهر و روستاست.^۳

- در کنار جستجوی کار بهتر، بریدن از گسترهٔ زراعت و فعالیت‌های روستایی و پیوستن به حیات تجاری و صنعتی شهری، بهره‌مند شدن از امکانات تحصیلی بهتر و شرایط بهداشتی و درمانی مساعدتر، روشنایی برق و آزادی‌های شهری و رها شدن از حیات بستهٔ روستایی، بخش دیگری از این علل هستند.^۴

- جریان ورود سرمایه‌ها به مناطق مورد توجه، باعث تمرکز امکانات و مزیت‌ها در این مناطق (شهرها) شده و تأثیر این تمرکز تراکم، موجب پس افتادگی نقاط دیگر (روستاها) می‌شود و همین دوگانگی باعث جریان و مبادلهٔ نیروی انسانی (مهاجرت) می‌شود.^۵ تأثیر دوگانگی حاصل از ورود سرمایه و وسیلهٔ صاحب نظران دیگر نیز تأیید شده است.^۶

بانک مرکزی ایران مضمون مشابهی را قید می‌کند: «متعاقب افزایش بی‌سابقه درآمدهای ارزی حاصل از فروش نفت، صنایع مونتاز و وابسته گسترش بیشتری یافتند. توسعهٔ صنایع مونتاز در کشور و تمرکز آنها در مناطق شهری و همچنین امکانات بیشتر در شهرها در زمینهٔ ارائهٔ خدمات و تسهیلات رفاهی، موجب گردید تا مهاجرت روستاییان به شهرها تشدید گردد».^۷

مراجعه به کتب و نشریاتی که از مهاجرت حرفی به میان آورده‌اند، شنیدن نظریاتی که در جامعه رواج دارد و نگاهی ولو گذرا به نظریات مندرج در مطبوعات، نشریات و جزوات دانشگاهی - آن گونه که به نمونه‌های آن فوقاً اشاره رفت - نشان می‌دهند که این نظریات با آن که به اموری متفاوت نظر دارند و هر کدام نسبت به زمینه‌های فکری و تجربی و ایجاب‌های شغلی و حرفه‌ای خود، عناصری از تفاوت بین شهر و روستا را برمی‌شمارند و بر آنها تأکید دارند و اندیشه و نظر آنان از عدم درک قوانین اجتماعی تا آگاهی نسبی از پدیدهٔ مهاجرت، طیفی گسترده را تشکیل

می‌دهد، تماماً حول يك نظریهٔ مرکزی (تفاوت‌ها) جمع شده‌اند و مهاجرت از روستا به شهرها را، در هر زمان و مکان، محصول مستقیم تفاوت‌ها می‌دانند. هیچ يك، از عمل عناصر متفاوت در شهر و روستا و منشاء این تفاوت‌ها سخنی به میان نمی‌آورند و درعین حال به ارزش تأثیر هر کدام از تفاوت‌ها و اصلی و فرعی نمودن آنها و استخراج نتایج و طبقه‌بندی و تحلیل آنها واقف نیستند و به شرایط متغیر و متفاوت اجتماعی بی‌توجهی نشان می‌دهند و در واقع، تابع منظومه‌ای از باورها و عملکردها و روش‌های پژوهشی مشابهی هستند که مجموعهٔ این دیدگاه‌ها را - به جهت عمده و مطلق کردن تفاوت‌ها در مهاجرت «نظریهٔ تفاوت‌ها» خواهیم خواند.

راستی این باور، که مهاجرت محصول تفاوت بین شهر و روستاست، تاچه اندازه واقعی است و اصولاً چگونه ساخته و پرداخته شده است و چرا و چگونه ذهن و اندیشهٔ بسیاری از دانشمندان، دست‌اندرکاران، معلمان و حتی مردم کوچه و بازار را پر کرده است و به نظریه‌ای فراگیر و عام بدل شده است؟

پیش از آن که به این سؤال پاسخ دهیم، بهتر است یادآوری کنیم در صورتی که چنین باوری داشته باشیم ضرورتاً باید مجموعهٔ اطلاعات ما، اولاً، به عنوان يك سیستم فکری و یا نظریهٔ تفاوت‌ها، اوضاع کنونی و تحولات مهاجرتی را تبیین و تحلیل نماید و به سئوالات موجود پاسخ دهد؛ ثانیاً، روش‌هایی برای تحقیق در این زمینه داشته باشد؛ و ثالثاً امکانات کنترل مهاجرت را برشمارد، طرح تجربی پیشنهاد نماید و روند آن را شرح دهد و بخصوص به طور عینی به وسیلهٔ نتایج تجربی، خود را توجیه و اثبات نماید.

متأسفانه، نه تنها در این امور موفقیتی حاصل نشده و داده‌های تجربی بر علیه این نظریه‌اند، بلکه هنوز خود این نظریه به‌طور صریح تعریف نشده است، زیرا بدیهی شمردن این که تفاوت‌های موجود بین شهر و روستا در منشاء، ابعاد و جهت مهاجرت‌ها اثر دارند و حتی در مواردی اثر مهم دارند و این اثر مشروط است، يك چیز است ولی ابراز این باور که مهاجرت فقط و فقط محصول تفاوت‌هاست،

چیز دیگری است .

اگر نظر اول را از این باور جدا سازیم و عمده نماییم ، در آن صورت ،
سئوالات بعدی به این ترتیب خواهند بود :

۱- تفاوت‌ها با چه ترکیب و شکل در مهاجرت اثر می‌گذارند ؟
۲- کدام يك از عناصر آن اصلی و کدام فرعی‌اند و یا در شرایط گوناگون،
جایگاه ارزشی تفاوت‌ها چگونه تغییر می‌یابد ؟

۳- کدام يك از تفاوت‌ها به‌طور مستقل و فارغ از پیش شرط‌های اقتصادی
و اجتماعی اثر بخش است و کدام فقط در شرایط معین می‌تواند مؤثر واقع شود؟
۴- در شرایط گوناگون اجتماعی، این عوامل در چه مرحله‌ای از مهاجرت
منشاء ، مبداء ، جهت ، مقصد و کارکرد - تعیین‌کننده‌اند ؟

۵- این شرایط گوناگون اجتماعی با چه ویژگی‌هایی شناخته می‌شوند ؟
۶- مکانیسم تأثیر چگونه است ؟

به نظر ما بررسی علل مهاجرت تا بدین جا نیا انجامد ، علمی و قانونمند و
در نتیجه قابل تطبیق با نمودهای تجربی نمی‌تواند باشد .

اما اگر شق دوم مورد نظر باشد، یعنی اگر بپذیریم که مهاجرت صرفاً محصول
تفاوت بین شهر و روستاست، در آن صورت نیز پاسخ به دسته‌ای دیگر از پرسش‌ها
ضروری می‌نماید :

۱- اگر مهاجرت محصول تفاوت بین شهر و روستاست ، چرا این دو از
نظر زمانی به‌طور موازی رشد نکرده‌اند ؟

می‌دانیم که نابرابری و تفاوت بین شهر و روستا ، امری قدیمی است و از
موقعی که شهر و روستا پدید آمده و به هم متکی شده‌اند و رابطه بده و بستان بین
آنها برقرار شده ، در این رابطه شهرها قدرت ، ثروت، رفاه و به‌طور کلی امکانات
مطلوب‌تری نسبت به روستاها کسب کرده‌اند ، ولی مهاجرت - به مفهومی که امروز
از آن شناخت داریم - پدیده‌ای جدید است .

- ۲- چرا این پدیده در بخشی از زمان گذشته ناچیز بوده است ؟
- ۳- چرا در طول زمان به تعداد مهاجرین افزوده شده ، بدون آن که دلایل قطعی برای افزایش تفاوت‌ها داشته باشیم ؟
- ۴- چرا در مرحله‌ای از زمان ، این پدیده ابعاد وسیع یافته و با جهش‌های کمی و کیفی روبرو شده است؟ ملاحظه می‌شود که حتی اگر ثابت شود تفاوت‌های بین شهر و روستا افزایش یافته و این افزایش تفاوت‌ها تغییر روند مهاجرت را سبب شده است ، در آن صورت نیز سؤال زیر مطرح است :
- ۵- چرا با وجود وابستگی بلاشروط بین تفاوت‌ها و مهاجرت ، و با وجود چنین تفاوت‌های عظیم ، هنوز بخش مهمی از جمعیت ، کماکان ساکن روستاها باقی مانده‌اند و این علل نظراً لازم و کافی بر آنان بلااثر بوده است ؟
- ۶- از آن نظر که خدمات و امکانات کشور در سطح ملی یا منطقه‌ای و حداقل ناحیه‌ای به‌طور مشابه توزیع می‌شوند ، چرا نسبت مهاجرین به جمعیت و یا منطقه ، در نقاط مختلف کشور و حتی بخش‌های مختلف یک استان و شهرستان متفاوتند و هیچ‌گونه مشابهتی باهم ندارند ؟
- می‌بینیم که ادامه طرح این موضوع ، نهایتاً به‌زنجیره‌ای طولانی از سئوالات منجر می‌شود که هیچ‌کدام وسیله نظریه تفاوت‌ها پاسخی صریح ، روشن و منطقی نمی‌یابند ، جز آن که آن را به حوادث پراکنده ، تفاوت‌های بی‌شمار و بی‌ربط و قضا و قدرهای اجتماعی نسبت دهند و در مواردی مهاجرت را پدیده‌ای غیرقابل درمان فرض نمایند و یا ناباورانه ، به اعمالی بی‌نتیجه برای تسکین و یا ترغیب آن دست بزنند .
- آیا با طرح این سئوالات برآینم تا نظریه تفاوت‌ها را رد کنیم و یا تأثیر تفاوت‌ها را به‌هیچ‌انگاریم ؟ پاسخ هم منفی و هم مثبت است ؛ منفی از آن سبب که تفاوت بین شهر و روستا - عوامل دفع روستایی و جذب شهری - در شرایط معینی به عوامل تعیین‌کننده در امر مهاجرت بدل می‌شوند و تسریع در روند

مهاجرت، تعیین هدف‌ها و کارکردهای آن را در اختیار می‌گیرند و مثبت از آن نظر که پذیرفتن تأثیر مشروط تفاوت‌ها در مهاجرت به معنی قبول نظریه بی‌پایه تفاوت‌ها نیست.

به نظر ما، مهاجرت با تفاوت بین شهر و روستا به طور مشروط در ارتباط است، تا به اندازه‌ای که نمی‌توان این تأثیرات را انکار کرد و نه می‌توان در بررسی این پدیده به آنها بها نداد؛ اما اگر مهاجرت را فقط و فقط محصول تفاوت شهر و روستا بدانیم و یافکر کنیم که هر تفاوتی در شرایط باعث نقل مکان انسان روستایی می‌شود، در آن صورت انسان را به موجودی صرفاً اقتصادی و غریزی تنزل داده‌ایم، در حالی که می‌دانیم انسان در روبه‌رو شدن با مشکلات اقتصادی و اجتماعی، با فقر و نداری، گرسنگی و مرض، حوادث طبیعی و رویدادهای نامطلوب و عدم ایمنی‌ها، واکنش خاص خود را دارد. واکنش او انسانی، و از آن سبب اجتماعی و گروهی است. هر مشکلی او را از زادگاهش نمی‌راند و هر موقعیت مناسب او را جذب نمی‌کند و در بافت فرهنگی محل سکونت خود دارای ارتباطاتی پایدار است و با عواطف خانوادگی و خویشاوندی، اعتقادات دینی، تعصبات سنتی، ارزش‌های اجتماعی، عرف و عادت و مقهورات اقتصادی به روستا دوخته شده و کنده شدن از این بافت پیچیده، عوامل و سبب‌های خاص خود را دارد و هرچه این بافت تغییر می‌یابد میزان و نحوه تأثیر این عوامل نیز تغییر می‌کند. از این نظر، ضمن آن که بر تأثیر تفاوت‌ها تأکید داریم، اضافه می‌کنیم که اثر تفاوت‌ها در مهاجرت، مکانیکی، یعنی بدون نیاز به زمینه‌های مساعد و شرایط لازم، فرامی‌رود، یعنی مؤثر در هر شرایط اجتماعی، هم اندازه، یعنی دارای عملکرد یکسان در انواع مهاجرت‌ها، و یک جهتی، یعنی همیشه تسکین‌دهنده و یا ترغیب‌کننده جریان مهاجرت نیست. این شرایط و موقعیت‌های اجتماعی قابل تعریف و شناخت هستند و تهیه فهرست‌های مختلف از تفاوت بین شهر و روستا و ارائه آنها به مجریان برنامه‌ها، به عنوان نسخه‌های شفابخش، فاقد هرگونه ارزش علمی و عملکرد اجرایی است، چرا که

در ایران و اکثر کشورهای جهان سوم، این گونه نسخه‌نویسی‌ها، بارها و بارها تکرار شده ولی متأسفانه اجرای آنها نه تنها مهاجرت را متوقف نکرده بلکه در مناطق مختلف و شرایط متفاوت، تأثیرات گوناگون برجا می‌گذاشته است: در جایی به تسریع جریانات مهاجرت یاری کرده، در مناطقی به صورت عوامل بی‌اثر و خنثی عمل نموده و در جای دیگر، در تغییر مقاصد و تسکین موقت آن کارساز شده است. به نظر ما همین نتایج پراکنده، خود تابع یک نوع نظم پیچیده‌ای است که پی‌بردن بدان، بازگشت به منشاء مهاجرت، شناخت مراحل و تجزیه و تحلیل آنها را با استفاده از روش‌های مناسب ضروری می‌سازد.

برای نمونه یکی از عناصر اعتقادی صاحب‌نظران تفاوت‌ها این است که تزریق سرمایه به طور عام به روستا (سرمایه نقدی، کالاهای مصرفی، نهاده‌های کشاورزی، عمران و آبادانی، ارائه خدمات، تغییر شیوه‌ها و حتی اجرای اصلاحات اقتصادی و اجتماعی وغیره)، باعث تقلیل تفاوت بین شهر و روستا، افزایش درآمد و رفاه روستاییان و در نتیجه کاهش مهاجرت خواهد شد، اما این دارو به هر کجا تزریق شده به نتایجی پراکنده انجامیده؛ نه آن شده که نسخه‌نویسان تجویز کرده‌اند و نه بدانجا ناپایل آمده که برای دارندگان این نظر دارای مفهوم باشد. چرا؟ بدین جهت که تزریق سرمایه در شرایط مختلف اجتماعی، نتایج متفاوت به بار می‌آورد، واقعیتی که در نظریه تفاوت‌ها جایی برای آن منظور نشده است.

امانتها تفاوت‌ها را به عنوان بخشی از عوامل مؤثر ولی مشروط فرض کردن و بر خصوصیات و عملکرد آنها تأکید نمودن کفایت نمی‌کند، چرا که خود تفاوت‌ها معلول علل مهم‌تری هستند و اگر از این موضوع با بی‌توجهی بگذریم، به همان چاله‌ای در خواهیم غلطید که طرفداران نظریه تفاوت‌ها به آن سرنگون شده‌اند، و همانند آنان، نهایتاً از تأثیر معلول‌ها (تفاوت‌ها) بحث خواهیم کرد. در واقع، تفاوت‌های موجود بین شهر و روستا، از سویی معلول شیوه‌های متفاوت تولیدی، یکی در گستره کشاورزی روستایی و دیگری در تراکم خدمات و صنعت شهری

است؛ یعنی زندگی غالب کشاورزی و اشتغال به تولید کشاورزی روال معینی از داشت‌های اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی را طلب می‌کند که با ارزش‌ها و ویژگی‌های شهری و فعالیت‌های فکری، خدماتی و صنعتی مخصوص آن متفاوت است. این تفاوت‌ها، تفاوت دوشیوه زندگی نام دارد و حتی در کشورهای صنعتی نیز به شکل‌هایی باقی است.

از سوی دیگر، تفاوت بین شهر و روستا، مبین دو سطح متمایز بهره‌برداری در يك سیستم و اقتصاد واحد است^۱. به سخن دیگر، تفاوت بین شهر و روستا بیان‌کننده چگونگی مناسبات بین آنها و آن نیز نمود مناسبات اقتصادی و اجتماعی، سیستم تقسیم کار و مرحله رشد هر جامعه است و از آن هنگام که شهر و روستا به هم متکی شده‌اند، آغاز می‌شود. در مفهوم عام، روستا تولیدکننده و شهر مصرف‌کننده تولیدات است و تحت تأثیر این رابطه نابرابر است که انتقال و انباشت تولیدات روستایی و من جمله نیروی کار آن در شهر، به صورت مهاجرت از اولی به دومی ظاهر می‌شود. به گفته دیگر، می‌توان گفت که روستاها، بر اثر تصادف و یاساده‌اندیشی و یا نقص برنامه‌ریزی، در برابر شهرها محکوم به تحمل محرومیت‌هایی نشده‌اند، بلکه در طول تاریخ، بازتاب رابطه موجود در کل سیستم اجتماعی، روابط روستا و شهر را از طریق انتقال محصول یکی به دیگری تنظیم کرده و ارائه این روابط، باعث چنین نتایجی شده است و به همین سبب ضرورت دارد تا موضوع مهاجرت و جابه‌جایی جمعیت، همراه با زمینه‌های اجتماعی و تغییرات آن که در روند مناسبات شهر و روستا بازتاب دارند - به‌طور هماهنگ مورد مطالعه قرار گیرند و یا به زبان جامعه‌شناسان، «تاریخ و سیاست، تئوری‌ها و ایدئولوژی‌ها، ساخت‌های اقتصادی، کشاورزی و صنعت، تحولات جمعیت و ... را نباید جداگانه بلکه با در نظر گرفتن ارتباط متقابلی که باهم دارند، مورد مطالعه قرار داد»^۲. به بیان دیگر، «همچون اغلب پدیده‌های اجتماعی مهم در زندگی ملت‌ها، مهاجرت‌های داخلی، همیشه ناشی از شرایط تاریخی و یا نتیجه تحولاتی است که خود جزو لاینفک آن می‌باشند»^۳.

در واقع، تاریخ مهاجرت در جهان و ایران این سیر تحولات را نشان می‌دهد، چراکه آغاز انقلاب صنعتی (کشاورزی و صنعتی) انگلستان، کشور پیشتاز انقلاب صنعتی، با مهاجرت شدید و وسیع روستاییان به شهرها همراه بود و از آن پس این کیفیت در کشورهای صنعتی شده سرمایه‌داری با مشابهت‌هایی و در کشورهای سوسیالیستی با اقتصاد برنامه‌ریزی شده با کیفیت‌های دیگر تکرار شده و در کشورهای در حال رشد با کمیت‌های افزوده و نتایج متفاوت به پدیده‌ای عام تبدیل گردیده و در حال حاضر روندهای یکسانی در این کشورها - جهان سوم - در جریان است که تخلیه سریع جمعیت روستاها و مقابلاً تمرکزهای منطقه‌ای و ناحیه‌ای، نمود ظاهری این همانندی‌های جمعیتی هستند.

مهاجرت به علل رکودی

وقتی از جامعه سنتی^{۱۱} نام می‌بریم، دو موضوع تداعی می‌شود: اول آن که آخرین پایگاه‌های آن، جوامع روستایی‌اند و در جریان نوسازی اجتماعی، آخرین عناصر سنتی بیش از شهرها در روستاها دوام می‌آورند؛ دوم آن که، جامعه سنتی در هر مرحله از دوره تکامل خود، دارای ویژگی‌هایی است که مجموعه آنها منجر به تشکیل يك ساخت^{۱۲} معین اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی می‌شود.

حال اگر در مرحله‌ای از زمان، این ساخت بشکند و یا تعدادی از عناصر آن تغییر کند، از نظر تغییرات جمعیتی و نهایتاً مهاجرت، چه اتفاقی خواهد افتاد؟ قبلاً بینیم که بدون این تغییرات اساسی، در روند تحولات کند و بطئی این جوامع، از نظر تغییر مکان انسان و مهاجرت از روستاها، چه شکل و شیوه‌ای حاکم بوده است. در این جوامع خانواده (غالب گسترده^{۱۳}) به جای فرد، واحد اشتغال، تولید و مصرف است. امکانات تولیدی محدود و ابزار ساده است و تغییرات اساسی در شیوه و سیستم تولید روستایی ممکن نیست. تأسیسات زیربنایی نارسا است، منابع طبیعی همانند زمین و آب قابل گسترش نیست و نوع مالکیت

روستاییان بر آنها مشروط و بیشتر اراضی و منابع طبیعی در تسلط زمینداران غیر کشاورز و عموماً غیر ساکن در روستا است و در نتیجه، بخشی از محصولات اندک روستا در این رابطه به طور مرتب به خارج از آن جریان دارد.

فقر و نداری، گرسنگی آشکار و پنهان، سختی معیشت و شیوع امراض همه گیر از مظاهر این دوره است. در نزدیک ترین زمان به ما^{۱۴}، «در روستاهای ایران، قشر بسیار کوچکی دهقان ثروتمند و مرفه وجود داشت. در مقابل این قشر، نیمی از دهقانان بودند که زندگی بخور و نمیری داشتند و نیم دیگر ساکنان روستا را دهقانان فقیر - نیمه دهقان، نیمه کارگر - و یاکارگران کشاورزی تشکیل می دادند». در این دوره شهر با روستا دارای ارتباطاتی محدود است که در یک سوی آن، صدور تولیدات محدود شهری و حمایت های انتظامی و مالی - بخصوص در مواقعی که تنظیم روابط بین انسان و طبیعت، با مشکلات جدی رو به روست - و ارائه خدمات مشابه و در سوی دیگر آن، انباشت بهره و مالیات و بخشش روستایی در شهر، تنها نقاط ارتباطی و اتصالی بین آنهاست و داشت های دیگر مادی و معنوی روستا نیز در خور چگونگی این دو رابطه انسان کشاورز و روستایی با طبیعت و شهر است.

در چنین شرایطی، چند شکل در رابطه بین ساخت اجتماع روستایی و بویژه خانواده، با امکانات تولیدی (زمین و آب، شکل مالکیت و بهره دهی، ابزار و شیوه های تولید) وجود دارد. در شکل اول، جمعیت خانواده نسبت به این امکانات قلیل است و در نتیجه - در صورت کفایت هسته های تولیدی - قسمتی از طبیعت ارزان و بخشاینده بلا استفاده رها می شود و یا از طریق نهادهای تعاونی سنتی، برداشت و تولید بیش از مصرف اندک و معیشتی است، به طوری که در برخی از سال ها امکان دستیابی به مازاد تولید فراهم می آید و به تبع آن خانواده ها به رفاه نسبی و خود کفایی معیشتی ارضا کننده نایل می شوند. چنین موفقیت ها، به علت عدم ابزار و شیوه هایی که بتوانند طبیعت را کنترل کنند و یا تغییر دهند، موقت و

گذرا است .

در شق دوم ، این دو عامل با همدیگر در تعادل نسبی به سر می‌برند . این تعادل از طریق عوامل طبیعی و اجتماعی مانند نسبت بالای مرگ و میر بخصوص در میان مادران باردار و نوزادان و کودکان ، طول عمر و امید زندگی کم و شیوع امراض همه‌گیر مانند وبا و تیفوس و مالاریا و غیره ، عدم بهداشت و درمان ، کم غذایی مزمن و گرسنگی‌های آشکار، نزاع‌های دسته‌جمعی ، جنگ و تالان و تاراج منطقه‌ای و قومی و طایفه‌ای، خروج جوانان برای بیکاری و انجام خدمات سربازی و غیره ، کوچ‌های اجباری طایفه‌ای و آوارگی‌های ناشی از پدیده‌های طبیعی مانند سیل و زلزله و طوفان ، در مقابل زایمان فراوان و بالا بودن میزان ناخالص ولادت کنترل می‌شود . تاریخ اخیر ایران نمونه‌های فراوانی از عملکرد کنترل‌های طبیعی را شاهد است . «بارها سفرکنندگان در فارس، مناطقی را یافته‌اند که بر اثر طاعون و تیفوس و سایر امراض ساری به کلی نابود شده و حتی از جمعیت هم در آن اثری نبوده است (ریچ ، ۱۹۳۶ ، فصل ۲ ، که خود بر اثر یک چنین اپیدمی در شیراز مرده است + ابوت ، ۱۸۵۷ ، صص ۱۵۸ و ۱۸۰ + مونیتیت ، ص ۱۱۸ + سایکس ، ۱۹۲۱ ، فصل ۲ ، ص ۵۱۵) . جمعیت ایران روی هم رفته در سال ۱۲۲۹ (۱۸۵۰) تا ده میلیون نفر برآورد شده ولی در سال ۱۲۵۲ (۱۸۷۳) ، پس از دو ویرانی ناشی از بلایای آسمانی ، وبا و قحطی ، به ۶ میلیون (کروزن ، ۱۸۹۲ ، فصل ۲ ، ص ۳۹۲) رسید^{۱۵} .» در هر حال - همان‌گونه که شواهد تاریخی نشان می‌دهند - تعادل بین انسان و منابع در دوره‌هایی از زمان در جوامع سنتی برقرار می‌شود ولی در دراز مدت دوام نمی‌آورد و به نابرابری جمعیت و امکانات تولیدی منابع منجر می‌شود .

در حالت سوم ، تعداد اعضای خانواده و اجتماع روستایی افزونتر از میزان مقدرات تولیدی است . دوره‌ای از صلح و امنیت پیش آمده و یا طبیعت و شرایط اجتماعی چند سالی به انسان روستایی روی خوش نشان داده و یا تکنیک‌ها پیشرفت کرده و در نتیجه مرگ و میر تقلیل یافته و به همین جهت تعداد جمعیت روستایی

نسبت به منابع و مقدورات تولیدی افزونتر شده است .

بایش آمدن این وضع، یعنی بروز عدم موازنه بین جمعیت خانواده (واحد تولید و مصرف) و اجتماع روستایی (واحد هم معیشتی باخصیصه تغییرات نازل داخلی و ارتباطات محدود خارجی) با ظرفیت محدود منابع تولیدی، چه اتفاقاتی ممکن است پیش آید؟

جمعیت، سال به سال، افزایش می‌یابد و از ظرفیت منابع درمی‌گذرد و در نتیجه مقداری از افراد خانواده و یا روستا به منابع تولیدی جذب نمی‌شوند و اضافه می‌مانند و یا به‌زبان رسمی‌تر، مقداری از جمعیت بیکار می‌مانند، ولی مانند شکل عمومی سنتی و یا در حال‌گذار روستایی، این بیکاری آشکار نمی‌شود و در اقتصاد یکپارچه خانواده و گروه‌های اجتماعی بالاتر پنهان می‌ماند .

اما این وضع تا چه زمان قابل دوام است؟

روز به روز جمعیت افزایش می‌یابد ولی تولید ثابت می‌ماند و یا به طور قلیل تغییر می‌یابد و عدم موازنه بین آن دو بیشتر می‌شود . حتی در موقعیت‌هایی به علت مزاحمت و تأثیر نامطلوب جمعیت افزوده (افزایش رقابت‌های خانوادگی و گروهی، بروز ناسازگاری و ایجاد چند مدیریتی، گرسنگی و امراض مزمن ناشی از تقلیل سطح معیشت، محدودیت کارآیی سیستم مدیریت رودررو از نظر کنترل سلول‌های هسته‌ای در اندام خانواده گسترده و گروه‌های خویشاوندی و مشاع و مانند اینها) میزان بهره‌برداری از منابع تقلیل می‌یابد و در نتیجه خانواده و اجتماع سنتی روز به روز گرسنه‌تر و فقیرتر می‌شود و به زندگی معیشتی محدودتر می‌غلطد .

فرض کنیم این خانواده و یا گروه خویشاوندی درده «الیف اوغلو»^{۱۶} زندگی بکند. ممکن است قسمتی از این جمعیت افزوده تحت تأثیر کنترل‌های طبیعی مثلاً افزایش مرگ‌ومیر تقلیل یابد و یا وسیله نهادهای تعاونی خویشاوندی جذب شود، ولی اگر روند افزایش جمعیت بازم ادامه یابد، جمعیت اضافه بر ظرفیت منابع ده الیف اوغلو، راهی جز ماندن در اقتصاد معیشتی و ادامه پیوند انگلی با اقتصاد

توسعه نیافته جامعه سنتی در پیش رو نخواهد داشت، و چون ابزار ساده است و سطح اندیشه‌ها پایین، از اینرو جمعیت جدید قادر به بهره‌گیری از منابع تولیدی جدید و تغییر و اصلاح روش‌ها و کیفیت‌های تولید نخواهد شد.^{۱۷}

مگر طرفداران نظریه ساده‌انگارانه تفاوت‌ها اعتقاد ندارند که بیکاری و گرسنگی و عدم تولید در هر شرایط زمانی و مکانی عامل مهاجرت است؟ پس در منطقه ایف اوغلو نباید مشکلی پیش آمده باشد، بلکه کافی است تا جمعیت اضافی دست به مهاجرت بزنند و بار خود را از اقتصاد معیشتی ایف اوغلو کم کنند و بگذارند زندگی سنتی آن ادامه یابد و با طبیعت قابل عمران بلامعارض را آباد سازند و بر ظرفیت تولید بیفزایند.

در سال ۱۳۴۵ اراضی بایر قابل عمران ایران ۰/۲۰٪ کل اراضی کشور و حدود دو برابر اراضی دایر- زیر کشت و آیش - بود^{۱۸}. بدیهی است این رقم پنجاه سال پیش از آن خیلی بیشتر بود، حداقل به آن سبب که در مقایسه با امروز، ابزارهای تولید روستایی ساده و ناکارآمد بودند و جمعیتی که آن روز گاران در روستاها ساکن بودند، به مراتب کمتر بود و در هر حال به نسبت امکانات قلیل آن روز امکان گسترش مناطق کشت و توسعه فضای تولیدی فراهم بود.

اما هیچ‌کدام از این اتفاقات به وقوع نمی‌پیوندد؛ نه مهاجرت صورت می‌گیرد تا ایف اوغلو از خفقان جمعیتی نجات یابد و نه توسعه ظرفیت‌ها مورد توجه و استفاده قرار می‌گیرد تا نارسایی تولید ترمیم گردد، چرا که انسان اجتماع سنتی به جهت محدودیت مادی و معنوی قادر به بسط حوزه تسلط خود در طبیعت و غلبه بر آن نیست و برای هر تغییر کوچک، زمانی طولانی لازم است و این نیمه ایستایی از خصوصیات جامعه سنتی است. در این جوامع، نظرات اجتماعی بر مکان زیست انسان حاکم است و جامعه، ترک محل و خانواده و طایفه را امری مصیبت بار تلقی می‌کند و از طریق نهادها و الگوهای فرهنگی و سازمان‌های خویشاوندی و فشار عرف و عادت و سنت، از حرکات انسان جلوگیری می‌کند و در این راه به مجازات‌های

اجتماعی متوسل می‌شود و مهاجرین را از اجتماع خویشاوندی و خانوادگی طرد می‌کند. به همین علل، انسان فرهنگی این دوره، زندگی در محل آبا و اجدادی خود را امری طبیعی و سرنوشتی محتوم تلقی می‌کند و به‌روالی و طریقی بیش از آنچه عرف و عادت مجاز می‌داند، نمی‌اندیشد. يك ضرب‌المثل قدیمی ترکی این ارزش را چنین منعکس می‌کند: «آن‌گونه که در خانه‌ات ماندگاری، در روستایت نیز چنین باش»^{۱۹}.

بررسی‌های به‌عمل‌آمده در روستای الیف اوغلو نشان می‌دهد که این نظارت بسیار شدید است و انسان گرسنه و فقیر، مانده در طلسم اندیشه‌های دیرین، مهاجرت را امری غیرمتعارف و برخلاف اخلاق اجتماعی فرض می‌کند و اصولاً جدا شدن از پیکره اجتماع طایفه‌ای - نه کوچ^{۲۰} - برای آنان مطرح نیست^{۲۱}.

بررسی‌های به‌عمل‌آمده در مناطق و سرزمین‌های مشابه نشان می‌دهند که در همه این‌گونه جوامع، آن انسان گرسنه و محکوم حتی برای امرار معیشت و تأمین نان بخور و نمیر، قادر به انتقال مکان زندگی به مناطق جغرافیایی و جوامع پر نعمت مجاور نیز نیست، چرا که فقر امری همه‌جانبه است. انسان سنتی، انسان فاقد تحرك و تغییر، انسان معتقد به سرنوشت محتوم طبیعی و اجتماعی، انسان فاقد اراده برای تغییر طبیعت و محیط و جامعه، در واقع انسان ناتوان برای تغییر مکان سکونت و مهاجرت نیز است.

اما ذکر این خلاصه از خصوصیات جوامع سنتی به این مفهوم نیست که در آنها اصلاً و ابداً مهاجرت وجود ندارد؛ همان‌گونه که نمی‌توان ادعا نمود که تغییر اجتماعی در این‌گونه جوامع به وجود نمی‌آید، بلکه اعضای خانواده‌های ده الیف اوغلو در موقعیت‌های خاص - این بار با تسهیلاتی که عرف و عادت و ناظران اجتماعی فراهم می‌آورند - دست به مهاجرت می‌زنند و روستای خود را ترك می‌کنند؛ و آن هنگامی است که ادامه روند عدم موازنه بین جمعیت و منابع، موجودیت خانواده‌ها و اجتماع روستایی را به مخاطره می‌افکند و بیکاران پنهانی

و فصلی در پشت دیواره‌های اقتصاد یکپارچه خانوادگی و جماعتی قادر به تأمین گذران معیشتی توأم با فقر نیز نمی‌شوند. وقتی گرسنگی در الیف اوغلو عمیق‌تر، شایع‌تر و مؤثرتر شد و عوامل کنترل سنتی قادر به تقلیل جمعیت و برقراری موازنه نشدند، میان فرد و خانواده، فرد و گروه خویشاوندی، برخی از افراد مازاد مقدورات فدا می‌شوند و در نتیجه تعدادی از جمعیت مازاد - و نه همه آنان - به خارج از خانواده و روستا رانده می‌شوند، ولی باقی اعضای افزوده - تا حد اکثری که خانواده و محیط سنتی با تحمل حداکثر محرومیت‌ها قادر به پذیرش آنهاست - کماکان در اقتصاد یکپارچه آن، پنهان می‌شوند و بدین سان جریان آرام مهاجرت در این دوره و در مقاطع زمانی مختلف از مناطق روستایی ادامه می‌یابد. عموماً ادامه این روند با افزایش جمعیت کشور به‌طور موازی پیش می‌رود، چرا که هر چه جمعیت کشور افزوده می‌شود عدم موازنه بین جمعیت و منابع - با تفاوت‌هایی در مناطق مختلف کشور - افزون‌تر می‌شود و جریان مهاجرت تسریع می‌گردد. این شکل از مهاجرت خاص جوامع سنتی است و در کشورهای مختلف با اشکال مشابه ملاحظه شده و می‌شود. مطالعات انجام یافته در مناطق کم رشد برزیل^{۲۲}، ایتالیا^{۲۳}، دامنه‌های سلسله جبال آند در کشور کلمبیا و همسایگان^{۲۴} آن، ترکیه^{۲۵} و ایران^{۲۶} وجود چنین شکلی از مهاجرت را تأیید می‌کنند.

به این بخش از مهاجرت‌ها، فرارهای دسته جمعی از مناطق قحطی زده، سیل و یا زلزله زده و ناامن و جنگ زده و آلوده به امراض مسری را باید افزود. این نوع تخلیه جمعیتی موقت است و تابع نظم مستمری نمی‌باشد و پس از رفع آنها قسمتی از جمعیت تخلیه شده مجدداً به زادگاه خود بازمی‌گردند و فقط نسبتی از آنان - و در جامعه سنتی به علت عدم جذب آنها در مناطق دیگر، نسبت کمی از آنان - جزو مهاجرین به حساب می‌آیند. با آن که شواهد تاریخی بر آنند که «فقر و بی‌حقوقی و حشتناک دهقانان و خودسری ملاکان و دستگاه دولت، به بی‌خانمانی دهقانان باری داده و آنان را وامی‌داشت تا در بیرون از دهکده برای خود به جستجوی

کار بر آیند، افزایش مهاجرت از روستاهای ایران، هم به درون کشور وهم به خارج از آن، پیامد همین روند بوده است... کرمانی خبر می‌دهد که هر سال هزاران تن ایران را ترک کرده و راهی کشورهای دیگر می‌شدند^{۲۷}، ولی چون در این مرحله از زمان، اربابان و مالکان اراضی قادر به استفاده از ماشین آلات کشاورزی نبودند و در واقع زمین زراعی فقط با وجود نیروی کار کشاورزان دارای ارزش بود، این اخراج‌ها قلیل بوده و در شرایطی به وسیله خود آنان کنترل می‌شد و کشاورزان کنده شده از روستاها را به اراضی و املاک و باغات و روستاهای دیگر خود منتقل می‌کردند. بدین سبب‌هاست که می‌توان گفت در این دوره مهاجرت از جریان آرام انتقال روستاییان مازاد بر ظرفیت منابع تولیدی به شهرها است و رشد آن با افزایش یا کاهش جمعیت کشور به‌طور موازی افزایش یا کاهش می‌یابد.

این نوع مهاجرت، که آن را مهاجرت نوع اول نام می‌گذاریم، قبلاً به‌وسیله پژوهشگران اجتماعی تحت عناوین مختلف نام‌برده شده است^{۲۸}. ما از میان این عناوین «مهاجرت به‌علل رکودی» را، به‌جهت آن‌که موقعیت ویژه و زمینه‌های اجتماعی - اقتصادی و فرهنگی مهاجرت را بیان می‌کند، انتخاب می‌کنیم و منبند مهاجرت نوع اول را مهاجرت به‌علل رکودی می‌خوانیم. اما ببینیم مقصد مهاجرین رانده شده از روستاهای ایران (مهاجرین به‌علل رکودی) در این دوره کجا بوده است؟

تعقیب مهاجرت به‌علل رکودی از اواخر قرن ۱۳ و اوایل قرن ۱۴ را سودمندتر می‌دانیم، چرا که از این دوره به‌بعد نظام یکجا نشینی ایران درنهایی‌ترین شکل خود به واقعیتی مستمر تبدیل شده و در برابر کوچ نشینی و زندگی ایلستانی وجهی غالب به خود می‌گیرد. در عین حال در نیمه دوم قرن ۱۳ «تقسیم دوباره زمین در ایران انجام گرفت، در بسیاری از بخش‌ها مالکیت خرده دهقانی از بین رفت و زمین‌ها در دست خاندان‌های بزرگ متمرکز شد»^{۲۹}. این وضع جدید باعث انتقال بیشتر محصولات روستایی به شهرها و در نتیجه تمرکز ثروت و جمعیت آنها و فقر بیشتر روستاییان گردید و چهره مشخص شهرهای امروزی ظاهر شد و جریان

مهاجرت به علل رکودی به سبب این تغییرات و به هم خوردن موازنه‌ها، همراه با افزایش جمعیت کشور وضعی صریح به خودگرفت.

از سوی دیگر، در این دوره، عملکرد استعمار (روس و انگلیس) در ایران به علل تشکل مناطق سرمایه‌داری، بازرگانی و تولیدی و تغییرات جدید سیاسی در سطح جهان، گسترش یافت و به سبب مداخلات نظامی - سیاسی و بازرگانی آنان در ایران تغییراتی در بخش کشاورزی و محصولات آن به وجود آمد و بر حجم واردات محصولات کشورهای استعماری افزوده شد. «روی هم رفته، صنایع ایران در نیمه دوم سده سیزدهم (پایان سده نوزدهم - آغاز سده بیستم) رشدی سست داشت و از چهارچوب تولید ساده کالایی فراتر نرفته بود. سرمایه بیگانه پس از رخنه به کشور، به رشد آن رشته‌های اقتصاد ملی که ذینفع بود یاری کرد و در همان هنگام آن رشته‌هایی را که رشدشان با مصالح سرمایه بیگانه همخوان نبود محدود کرد».^{۳۰}

در این دوره سرمایه‌داران انگلیسی تریاک، قالی، غله، توتون، پنبه، پشم، چرم، میوه و سایر کالاهای کشاورزی دیگر از ایران می‌بردند و در مقابل، پارچه پشمی، ابریشمی و مخملی، اسلحه، چای، شیشه، چینی و غیره به ایران می‌دادند. مهم‌ترین کالای وارداتی از روسیه قند، و مهم‌ترین کالای صادراتی ایران به آن کشور پنبه بود.^{۳۱}

بدین ترتیب، شهرها از طریق مبادله این محصولات، حقوق واسطه‌گری بین روستاها و خارج از کشور را نیز تصاحب کردند و همراه با دریافت مالیات، بخشش‌ها و بهره مالکانه، به ثروت و سرمایه دست یافتند و با انباشت آنها، شهر تهران و شهرهای مناطق پرجمعیت کشاورزی شروع به رشد کردند. «در این دوره رشد شهرها و افزایش جمعیت آنها به چشم می‌خورد و به همین سبب، دهقانان رانده شده از روستا و دهقانان بی‌زمین راهی شهرها شدند و برای یافتن مزد به دیگر ولایت‌ها و یا به کشورهای همسایه روان شدند».^{۳۲}

این تغییر در مناسبات شهر و روستا، مالک و زارع و واردات و صادرات

باعث تغییراتی در توازن نسبتاً ثابت و سنتی شهری و روستایی شد؛ «توازنیه که البته از رنج‌های انسانی و به عبارت بهتر از لحاظ قحطی‌های ادواری و شیوع امراض، بسیارگران و سنگین بود»^{۳۳}. اما می‌دانیم که یک شکل زندگی و یک صورت تکامل اجتماعی، همان‌گونه که در شئون مختلف یک جامعه باهماهنگی‌های نسبی منتشر می‌شود، در مناطق جغرافیایی مانند شهر و روستا نیز به‌طور موازی ظاهر می‌گردد. در این جریان، شهرها ظرفیت‌های تغییر بیشتری از خود بروز می‌دهند و بیش از روستاها از عناصر تغییر سود می‌جویند. بنابراین وقتی در روستاهای کشور شکل سنتی غالب است، شهرهای وابسته^{۳۴} به آنها نیز از محدودیت‌های سنتی رنج می‌برند. از این نظر باهمه تغییراتی که در برخی از شهرهای ایران آغاز شده بود و گروه‌های جدید اجتماعی مانند صنعتگران، کارگران، پیشه‌وران، بازرگانان، تحصیل‌کردگان و امثال آنها در این شهرها به واقعیتی مؤثر تبدیل شده بودند، اکثر آنان در رابطه با محصولات و خدمات مناطق روستایی مشغول بودند و حتی در رابطه با خارج نیز، محصولات روستایی، واسطه عمده محسوب می‌شد.

بنابراین، در این دوره مهاجرینی که به علل رکودی و در نتیجه به‌طور محدود و مستمر از روستاها و بخش کشاورزی ایران به اجبار رانده می‌شدند، در شهر تهران و شهرهای داخلی ایران جایی برای اشتغال نمی‌یافتند، جز آن‌که به کارهای سرپایی و خدمات خانگی مشغول گردند. کارهایی مانند نوکری و کلفتی در خانه‌ها، کارگری فصلی و یا باغبانی و سرایداری در باغات داخل و حاشیه شهرها، حملی، پادویی، شاگردی در مغازه و کارگاه و یا شاگرد داروچه و امربری و غیره در دستگاه اداری و انتظامی اشراف و خوانین و مانند اینها قسمتی از جمعیت مهاجر ایران را جذب می‌کردند. مناطق کشت‌های کاربر و وسیع اربابی نیز کشاورزان رانده شده را در ابعاد محدود طلب می‌کردند.

واگذاری اراضی و نسق‌های جدید زراعی و یا نصفه‌کاری به فرزندان کشاورزان، که نیروی شخم داشتند و انجام کارهای کارگری کشاورزی و خدمات خوش‌نشینی شهری و روستایی نیز در این ردیف بودند. اما بقیه مهاجرین راهی نداشتند جز

این که برای ادامه زندگی و گذران خود، در مراحل بعدی مهاجرتشان، جهت انجام کار عازم شهرهای خارج از کشور گردند - که دوره آغازین صنعتی - بازرگانی خود را می گذراندند - و یا اینکه با قرار گرفتن به جای مهاجرین سابق و شهرنشینان فقیر، آنان را راهی کشورهای دیگر سازند. در نتیجه، شهرهای کشورهای مجاور ایران مانند استانبول، ارضروم، باکو، تفلیس و مانند اینها، بخشی از مهاجرین به علل رکودی ایران را جذب می کردند و در واقع، مهاجرت به خارج از کشور ادامه منطقی مهاجرت از روستاها به شهرها و عدم توانایی جذب مهاجرین از سوی شهرهای داخل بود.

بدین ترتیب، مهاجرت به علل رکودی چندین دهه به رشد خود ادامه داد و غلبه خود را بر انواع مهاجرت های دیگر - که بعداً مورد بحث قرار خواهند گرفت - حفظ کرد. به برخی از ویژگی های این نوع مهاجرت ذیلاً اشاره می شود و به عملکرد (تأثیر) آن در شهر و روستا، چگونگی ادامه روند آن در شرایط حاضر و راهها و ضرورت های کنترل آن در بخش های مربوط اشاره خواهد شد:

- ۱- تعداد مهاجرین به نسبت جمعیت روستایی قلیل است.
- ۲- میزان رشد آن با «درصد رشد جمعیت منطقه ای که دچار رکود است به طور موازی پیش می رود»^{۳۵}.

۳- مهاجرت از روستاها تابع عدم موازنه بین تعداد جمعیت و ظرفیت منابع است و از آن نظر با تراکم جمعیت روستایی و وسعت فضای حیاتی آنان در ارتباط است.

۴- مهاجرت از روستاها باعث تخلیه تعدادی اندک از جمعیت افزون روستایی می شود، بنابراین نه تنها باعث تقلیل جمعیت این مناطق نمی گردد بلکه در عین حال، جمعیت روستایی افزایش نیز می یابد.

۵- مهاجرین روستایی به علل رکودی در افزایش جمعیت شهرها، نقش مهم به عهده ندارند.

۶- این نوع مهاجرت در شهر و روستا به ایجاد موازنه‌های اقتصادی و اجتماعی یاری می‌رساند.

شکل ارتباط ایلات و عشایر با مهاجرت به علل رکودی

«از مقایسهٔ جمیع اطلاعات و ارقام، می‌توان نتیجه گرفت که در آغاز ربع چهارم قرن ۱۳، جمعیت کوچ‌نشین ایران حدود ۳۰-۲۵ درصد از جمعیت ۱۰-۹ میلیونی کشور بود. این نسبت از آن تاریخ با نوساناتی در حال کاهش و افزایش بوده و به هر حال از سال ۱۳۰۰ به بعد در دهه‌های ۱۳۲۰، ۱۳۴۰، ۱۳۵۰ و پس از آن، به علل مختلف، روند فروپاشی زندگی ایلی و عشایری تندتر شده و نسبت تعداد آنان به جمعیت کل کشور سال به سال تقلیل یافته است»^{۳۶}.

زندگی شبانکاره و کوچ‌نشین به سبب ویژگی‌هایی که دارد، نیازمند حمایت از طریق تولیدات فرعی مانند کشت و زرع، ریسندگی و بافندگی (صنایع وابسته به دام)، میوه‌چینی و گردآوری دانه و حتی شکار و صید است و در عین حال، غارت و تاراج، یا به مفهوم بهتر، تصرف محصولات مناطق یکجانشین و انتقال آن به مناطق کوچ‌نشین از تلاش‌های مستمر عشایر برای نیل به موازنه‌هایی است که کوچ‌نشینی به عنوان مهم‌ترین شیوهٔ تطبیق تولید شبانی با طبیعت و مرتع قادر به حفظ مستمر آن نیست. از این نظر عشایر ایران، تا زمانی که قادر بودند به تصرف محصولات مناطق یکجانشین (شهر و روستا) موفق گردند و بر تصرف اراضی و مراتع بپردازند، جمعیت مازاد بر منابع نداشتند و در مهاجرت به علل رکودی هم شرکت نمی‌کردند، ولی زمانی که راه تولیدات فرعی بسته و یا محدود می‌شد و تاکتیک‌های سنتی مانند تفکیک اردو (مال یا اوبه) و تجمع و تفرق فصلی، برقراری روابط مبادلهٔ جنس به جنس با روستاییان سرزمین‌های حاشیه‌ای و مانند آن بی‌اثر می‌ماندند، جمعیت افزون بر ظرفیت آنها - که رشد آن همیشه بیش از روستاها بوده - از زندگی کوچ‌نشینی دست می‌کشیدند و به مناطق یکجانشین سرازیر می‌شدند و

پس از آغاز یکجانشینی و گذراندن دوره استحاله در فرهنگ روستایی، در تبعیت از نظمی که برای روستاییان بیان شد، به جریان مهاجرت می پیوستند و یا مستقیماً از مناطق کوچ به شهرهای عشایری منتقل می شدند و در هر حال به طور مستقیم و یا غیر مستقیم بر حجم مهاجرین به علل رکودی می افزودند، و از این طریق، این بار به جای پیوند زدن اقتصاد مناطق یکجانشین به خویش، خود را به اقتصاد مناطق یکجانشین ملحق می کردند. واسطه یکجانشینی اینان، عموماً در سطح خانوادها، زندگی «در انتظار کوچ» در ییلاق و یا قشلاق و در سطح خویشاوندی اسکان زنجیره به هم پیوسته اولاد و تیره و طایفه بود. به خاطر این همبستگی خویشاوندی و بهره مندی از اراضی و مراتع جماعتی و تبعیت از ساختار ایلی، اسکان و مهاجرت آنان از روستا به شهر محدود به سرزمین ایلی و تابع نظم معینی بود که در رابطه با وضع اقتصادی، روابط خویشاوندی و خط مشی رهبری طایفه ای و ایلی تعیین می شد.

گروه کوچکی از آنان نیز، مانند قشرهای فوقانی روستایان، فارغ از تأثیر این موازنه ها، به علت به دست گرفتن مقدرات تولید عشایری و انباشت ثروت از راه گله داری و وصول بهره، به دنبال انتقال مازاد ثروت خود به شهر و روستا، به یکجانشینی در آنها روی می آوردند و یا زندگی دوگانه کوچ نشینی - یکجانشینی را توأمأ برقرار می ساختند.

مهاجرت از روستاها به شهرها به علل تغییر

باید اذعان کرد که مطالعات تاریخی ما در مورد مهاجرت ایران، محدود و پراکنده است و صد البته که انجام هر بحث تئوریک، بدون اتکا به تحقیقات موردی و بررسی های مرحله ای نه ممکن است و نه جمع کردن این قطعات بسیار کوچک در یک جا و جمع و جور کردن آنها در این خلاصه می گنجد. هدف ما نیز از ذکر تاریخ مهاجرت ایران این نیست که ادعای کشف همه تغییرات مهاجرت از روستاها به شهرها، در دوره های مختلف تاریخی قرن حاضر را داشته باشیم، بلکه سعی

در این است تا با استفاده از اطلاعات، قراین و شواهد تاریخی وبا بهره گیری از پیش فرض هایی که در رابطه قانونمند روند مهاجرت با سایر تغییرات و تحولات اجتماعی در دست داریم و با کمک اطلاعات تطبیقی که از مطالعات این پدیده در شرایط مختلف جهان و بخصوص شرایط اجتماعی جهان سوم کسب می کنیم، حدود تاریخ تحولات مهاجرت ایران را بازبایم و از این طریق با عنوان طرح تاریخی مهاجرت، به توضیح چگونگی جریانات عمده مهاجرت قادر گردیم و در حال برآغاز و تداوم مطالعات موردی و تحلیل های موقعیتی در این موضوع نیز یاری رسانیم. برای نیل به این منظور فعلاً به این امر قانع شده ایم که با آن که شواهد تاریخی ما محدود و پراکنده است و جز با کار مستمر جمعی، دسترسی به همه آنها نیز ممکن نیست، درعین حال اطلاعات موجود و قابل دسترس در تأیید نظریاتی است که در این مقاله مطرح می شود و به بیان بهتر، به علت عدم ارائه دلایل ردکننده، شواهد اثبات کننده ناکافی را کافی تشخیص داده ایم و مضافاً، به جهت رعایت حجم این مقال، از بحث خاص در موقعیت های تاریخی معین و محدوده های زمانی کم-فاصله صرف نظر کرده و زمان های طولانی و ده ساله و چندین دهساله را مورد توجه قرار داده ایم که این خود باعث شده تا از طریق بزرگتر کردن هدف هایمان برنارسایی دیدمان فایق آییم و در صحت تأکیدات مان بیفزاییم.

به هر حال، همان گونه که گفته شد، از اواخر قرن ۱۳، دو عامل مهم تغییر اجتماعی و اقتصادی و تنظیم کننده رابطه جدید شهر و روستا، به عناصر تغییر کمی و کیفی مهاجرت نیز تبدیل شدند: بدین معنی که هر قدر رابطه ایران با جهان استعماری افزایش یافت و در جهان سرمایه داری نقش های مهم تری به عهده گرفت و هر اندازه رابطه شهر و روستا ظالمانه تر شد و امکانات انتقال محصولات روستایی به شهرها بیشتر فراهم آمد و از این طریق، تقسیم کار و قشر بندی اجتماعی در شهر و روستا و بین آنها تحکیم یافت، مهاجرت به علل رکودی بر اثر بهم خوردن موازنه بین تعداد جمعیت و ظرفیت منابع تولیدی افزایش پیدا کرد.

در این مدت، هر قدر نظم کهن ایران دچار تغییر شد، گردش سرمایه و معاملات نقدی جای مبادلات سنتی را پر کرد؛ و هر اندازه اندیشه‌ها و افکار جدید دوره مشروطیت، ستیزهای فکری و مشقات گذران زندگی در زمان جنگ اول و حوادث تاریخی بعد از آن، روستاییان ایران را به گردونه تغییر ذهنی و اقتصادی فراخواندند و با باورهای مطلق‌گرای آنان در مورد مناسبت موجود در روستا و بین شهر و روستا به ستیز پرداختند، به همان اندازه بر تعداد مهاجرین افزوده شد. نزاع‌های داخلی، دخالت‌های خارجی، ناامنی و بهره‌کشی و متقابلاً شرکت مردم در این وقایع و مقاومت‌های پر حجم آنان طلیعه تغییراتی را پیام می‌دادند و هر اندازه این تغییرات بیشتر منتشر می‌گردید، با مهاجرت - به عنوان تظاهر تنش‌های اجتماعی و اقتصادی جامعه روستایی - پاسخ داده می‌شد و بخصوص روستاهای مجاور شهرها و مناطقی که ظرفیت اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی مناسبی داشتند در ادای این پاسخ تعجیل می‌کردند.

در میان مهاجرین جدید، نه فقط تعدادی از بیکاران پنهانی رانده شده از اقتصاد یکپارچه خانواده و روستا بلکه گاهی همه بیکاران پنهان دیگر نیز به چشم می‌خوردند که در مراحل قبل از آن قادر بودند در اقتصاد خانواده‌های خود مستحیل گردند و اکنون بخشی به یکباره روانه شهرها می‌شدند و گروهی به طور فصلی بین روستا و شهر و یا بین روستا و مناطق کشاورزی رفت و آمد می‌کردند و حتی تعدادی از روستاهای اطراف شهرهای بزرگ، روزها را در شهر و شب‌ها را درده می‌گذراندند و محل اشتغال خود را به شهرهای در حال تغییر^{۳۷} منتقل کرده بودند و همگی به صورت عامل تغییر ذهنی و کسب خیر و آگاهی عمل می‌نمودند.

«با پیدایش رژیم سرمایه‌داری دولتی در ایران (از آغاز قرن ۱۴ به بعد) رشد معینی در صنایع مصرفی این کشور پدید آمد^{۳۸}». از آن زمان به بعد، با افزایش صادرات نفت و بخشی از محصولات کشاورزی - صنعتی و وارد کردن کارخانجات و وسایل صنعتی - نظامی و تأکید بر اقتصاد شهری در کنار حفظ مناسبات زمین‌داری

در روستاها، ایران به جریانی از تغییر در مدار جهانی وارد شد که عمران و آبادانی شهرها، بخصوص تهران، نتیجه منطقی آن بود. تشکیل ارتش منظم و برقراری خدمت نظام اجباری، ایجاد تشکیلات وسیع اداری، گشایش مدارس روستایی و عشایری، تأمین امنیت راهها و جابه‌جا کردن گروه‌های عشایری در سطح مناطق مختلف کشور، تأکید بر گسترش بازرگانی و تقلیل و کنترل قدرت خوانین و اربابان و جایگزینی قدرت بوروکراسی نو ظهور نظامی - سلطنتی به جای آن، مصادره اموال گروهی از مالکین سرکش و ایجاد مالکیت‌های بزرگ دولتی - سلطنتی و اداره آنها به شکل نیمه مکانیزه (مکانیزه کاربر)، برپایی کارخانجات سبک صنعتی اکثراً کاربرمانند پارچه بافی و کبریت‌سازی و وارد کردن ابزارهای جدید کشت و سرمایه‌گذاری به روستاها، روند تغییراتی را که در شهر و روستا آغاز شده بود تندتر کرد و بخشی از جمعیت روستاها را به تدریج و به‌طور فزاینده به تهران و مناطق کشاورزی، بازرگانی و نظامی و صنعتی کشانید و از آن پس، تهران و چند شهر عمده مراکز استان‌های پر جمعیت رونق گرفتند و همراه با رشد جمعیت کشور فرصت‌های مناسب کار و اشتغال را به روستاییان کنده شده از زادگاهشان عرضه کردند و مهاجرت وسیله‌ای برای فرار انسان روستایی از مناطق دهقانی، ظلم و جور اربابان و قهر طبیعی و اجتماعی سکونتگاه‌های کوچک درآمد. آغاز چنین موقعیت ویژه به چنان حدی برانبوهی مهاجرین افزود که بخشی از ظلم آبادهای روستایی از نیروی انسانی خالی شدند و اولین مصوبه ضد مهاجرت ایران به تصویب رسید و بدین وسیله اشتغال دهقانان املاک رضاشاه در کارهای عمرانی و جاده‌سازی ممنوع اعلام گردید. «هیچ بنگاه محتاج به کارگر حق پذیرفتن دهقانانی را که املاک اختصاصی را ترک می‌کردند، نداشت. حتی راه آهن ایران در بخش مازندران مجبور بود کارگرانی از نقاط دیگر ایران استخدام نماید»^{۳۶}.

تهران، مهم‌ترین پدیده شهری این زمان بود که توانست با کسب ظرفیت‌های جدید عمرانی و امنیتی و فرهنگی، مهاجرین نقاط مختلف و شهرها و روستاهای کشور

را با فرهنگ ، زبان ، نژاد ، اعتقادات دینی و مذهبی مغفوت درخود جای دهد و به اولین شهر همه - فرهنگ ایران تبدیل گردد و در رشته‌های مختلف اداری ، خدماتی و بازرگانی برای آنان کار و اشتغال تأمین نماید .

در انتهای این دوره (۱۳۱۸ تا ۱۳۲۰ هجری شمسی) ، ۳۵ شهر عمده آن زمان آمارگیری گردیدند ، که جمعیت شهرهای بیش از یکصدهزار نفری به شرح زیر بود: تهران ۵۴۰۰۸۷ ، تبریز ۲۱۳۵۲۲ ، اصفهان ۲۰۴۵۹۸ ، مشهد ۱۷۶۴۷۱ ، شیراز ۱۲۹۰۲۳ ، رشت ۱۲۱۶۲۵ و همدان ۱۰۳۷۸۴ نفر^۴. از آن تاریخ رشد جمعیت ایران روبه‌فزونی گذاشت و نسبت آن در شهرهای مذکور تا سال ۱۳۳۵ ، ۰/۳ ، درفاصله سال‌های ۱۳۳۵ تا ۱۳۴۵ حدود ۰/۴/۹ و در دهساله بعد تا ۱۳۵۵ ، ۰/۵/۴ شد ، به‌طوری‌که در این سال رشد سالانه جمعیت کشور از ۰/۳ سالانه گذشت^۴ و در نتیجه جمعیت انبوه‌تری تحت تأثیر عدم موازنه بین جمعیت و منابع یا به‌علل رکودی راهی شهرها شدند . در عین حال، همراه این مهاجرین، جمعیتی از روستاها به شهرها سرازیر شدند که علل مهاجرت آنان رکودی نبود .

دوره جنگ جهانی دوم و پی‌آمدهای آن ، نتایج مهم در تاریخ مهاجرت ایران برجای نهاد و روندی را که تا سال ۱۳۲۰ به صورت جریان ضعیف آغاز شده بود در مناطق وسیع‌تری عمومیت داد . از سال ۱۳۲۰ تا آغاز دهه ۱۳۳۰ ، جنگ ، قحطی ، مرگ و میر ، ناامنی ، تلاش خان‌ها و مالکین قدیم برای اعمال قدرت مجدد در سرزمین‌های موروثی خود، اخراج دستجات دهقانان از روستاها، تجاوز به جان و مال و ناموس مردم روستایی ، تشکیل دهقانی و رشد جنبش‌های دهقانی در مناطق مختلف کشور، تأثیر گسترده فعالیت‌های سیاسی - اجتماعی احزاب، گروه‌ها و دستجات مختلف ، جا به جایی مجدد ایلات و بازگشت آنان از تبعید به مناطق اصلی خود و به‌تصرف در آوردن اراضی کشاورزی در سرزمین‌های طایفه‌ای، دخالت خارجی‌ها و دلالت آنان در دوره جنگ برای خرید نقدی محصولات روستایی و در نتیجه افزایش سرمایه نقدی روستاییان و آغاز گرسنگی در شهرها، همه و همه

بر آگاهی روستاییان افزود، مشروعیت زمین‌داری را خدشه‌دار کرد، فشار سنت‌ها، سازمان‌ها و نهادهای روستایی را تقلیل داد و در نتیجه در ساخت فرهنگی اقتصادی-اجتماعی روستاها شکاف‌های عمیق برجای نهاد و برپویش تغییرات در ساختار شهری و روستایی ایران شتاب داد.

در چنین موقعیتی است که روستای الیف اوغلو، مجدداً مورد بررسی قرار می‌گیرد. تعدادی از جمعیت اضافی به خارج از روستا کوچ کرده‌اند، عده‌ای افزارمند و مغازه‌دار به ده آمده‌اند و یا خود اهالی چنین وظایف تازه را به عهده گرفته‌اند، ابزار تولید کشاورزی تا حدودی تغییر یافته و کارآمدتر شده است، در ترکیب وسایل خانه و لوازم مورد استفاده عناصر جدید به چشم می‌خورد، برخی از این وسایل قبلاً مورد استفاده نداشتند و این، نشان از بروز نیازهای جدید در خانواده و روستا دارد که خود مبین بروز کیفیات جدید در زندگی و تولید و مصرف است، مدرسه ابتدایی در روستا باز شده و تعداد انگشت شماری از نوآموزان برای ادامه تحصیل در قصبه مجاور رفت و آمد دارند، مفاهیم جدیدی در آموزش‌های آموزشگاهی و فرهنگی خودنمایی می‌کند و حتی ارباب پیرسابق مرده و پسر کوچک او به عنوان سمبل مالکیت و مناسبات جدید در روستا پایگاهی بلند یافته است. با وجود خروج تعدادی از روستاییان، تعداد جمعیت ده افزایش یافته، چراکه مرگ و میر بر اثر افزایش آگاهی، مراقبت‌های بهداشتی و استقرار واحد درمانی در شهرک مجاور کم شده است.

مهم‌تر از همه، دیگر مهاجرت و ترک محل زندگی عیب و عار شناخته نمی‌شود، نشانه در بدری و آوارگی نیست، مجازات اجتماعی در پی ندارد و نظارت اجتماعی نسبت به تغییر مکان زندگی انسان تقلیل یافته است و عموماً کارکرد بخشی از عناصر سنتی تضعیف شده و در باور روستاییان نسبت به بسیاری از قراردادهای اجتماعی شک و تردید ایجاد شده است. تعدادی از جوانان به زندگی مستقل روی آورده‌اند و از این طریق، خانواده‌های گسترده کوچک‌تر شده و خانواده هسته‌ای به شکلی

رایج ولی نه غالب روستایی مبدل گردیده است، اما هنوز استقلال مالی این خانواده‌ها تأمین نشده و در واقع در خانواده‌های روستایی دوره گذار در حال انجام است. چنین تجزیه و تغییر بر نمود ظاهری بیکاران پنهانی و فصلی افزوده است.

اما الیف اوغلو فقط یک روستای تنها و جزیره‌ای دور افتاده نیست؛ الیف اوغلو نمونه‌ای از ۶۵ هزار روستای ایران، دهات استان مرکزی، آذربایجان شرقی، اصفهان و گیلان و مازندران و هرده و دهستان و منطقه پیش‌تاز تغییرنوسازی در سرتاسر این کشور، کشورهای مجاور و جهان سوم است که طیفی گسترده از اجتماعات در فقر تاریخ مانده تا روستاهای نیمچه شهر و شهرک شده را در پیرامون خود دارد و به همین سبب تحقیقات انجام یافته در این کشورها تحولات همانندی را نشان می‌دهند که آگاهی از آنها با در نظر داشتن ویژگی‌های ملی و محلی، بسیاری از عناصر ناشناخته را برملا می‌سازند و همچون حلقه‌های ارتباطی، زنجیره‌های گسسته شواهد تاریخی را به هم می‌پیوندند. بررسی‌های به عمل آمده در ترکیه بین دهه ۱۳۰۰ (۱۹۲۰) تا دهه ۱۳۴۰ (۱۹۶۰) این تغییرات را به شرح زیر برمی‌شمارند^{۴۲}:

۱- سطح اراضی زیر کشت تغییر کرده و شامل اراضی بلااستفاده سابق نیز شده است.

۲- نوع محصولات (به جهت وجود مبادله و تقاضای بازار) در اکثر روستاها تغییر کرده است. محصولات جدید عبارتند از چغندر، پنبه، دانه‌های روغنی و میوه.

۳- شیوه‌های کاشت بهبود یافته است. این تغییرات، استفاده از ابزار جدید و کودهای شیمیایی و نحوه بهره‌برداری مطلوب از منابع آب را شامل شده است.

۴- مناسبات روستایی دچار تغییر شده است. تقسیم اراضی بین فرزندان، تقلیل اربابان ساکن در روستاها، از بین رفتن نصفه‌کاری در برخی از دهات و خرید قسمتی از اراضی توسط خود روستاییان از این رده‌اند.

۵- در معاملات محصولات روستایی تغییراتی به وجود آمده و مقدار بیشتری از محصولات روستایی برای فروش به بازار شهری حمل می‌شود. از اینرو روستایی

- نیازمند اعتبارات مالی در دوره‌های کاشت و داشت و برداشت محصول است .
- ۶- رفت و آمد بین شهرها و روستاها جهت یافتن کار برقرار شده و تعداد ترک‌کنندگان روستا بیشتر از واردشدگان به آن است .
- ۷- محصولات جدیدی شهری وارد روستا شده است. مهم‌ترین آنها رادیو، چرخ خیاطی، اجاق‌های نفتی و مواد خوراکی می‌باشند .
- ۸- برخی از فعالیت‌ها مانند بافندگی، گیوه‌کشی و امثال آن فراموش شده و برخی فعالیت‌ها مانند نجاری، خیاطی و کفاشی جایگزین آنها شده است .
- ۹- در بسیاری از دهات مغازه بقالی باز شده است .
- ۱۰- مسافرت‌های دور دست روستاییان افزایش یافته است .
- ۱۱- در بسیاری از روستاها مدارس جدید باز شده است .
- ۱۲- انتظارات روستاییان افزایش یافته و نیازهای جدیدی پیدا کرده‌اند .
- ۱۳- شرکت مردم در فعالیت احزاب و انتخابات افزایش یافته و روزنامه وارد روستا شده است .
- ۱۴- بر موجودی نقدی روستاییان - در جریان فزاینده مبادلات نقدی - اضافه شده است .
- ۱۵- راه‌های روستایی احداث و یا اصلاح شده و وسایل موتوری در بین برخی از آنها رفت و آمد می‌کنند .
- ۱۶- آب آشامیدنی برخی از روستاها بهداشتی شده و اندیشه بهداشتی کردن آب آشامیدنی در بقیه روستاها نیز عمومیت می‌یابد .
- ۱۷- جمعیت و تعداد خانواده‌ها افزایش یافته و در اکثر روستاها مهاجرت به خارج از روستا آغاز شده است .
- ۱۸- خبرهای واصله از مهاجرین به شهرها، برای مردم روستانشین جالب و جذاب است و همگی از این طریق وضع خود را بررسی می‌کنند .

مگر چه اتفاقی افتاده است ؟

تغییر آغاز شده است و یا به بیان بهتر ، دور جدیدی از تغییر با سرعت و شتاب بیشتر شروع شده و همه عناصر مادی و معنوی روستاها را با تقدم و تأخر درمی نوردد. ورود و آغاز گردش سریع و همه جانبه سرمایه نقدی و افزایش ظرفیت تسلط انسان روستایی (بر طبیعت) که به ماشین آلات و ابزار بهتر تولیدی مسلح شده است ، به تقسیم بیشتر کار و بروز مشاغل و نیازهای جدید شغلی در شهر و روستا منجر می شود. باز شدن مدارس و گسترش باسوادی و افزایش رفت و آمد بین شهر و روستا و در نتیجه آغاز مبادله وسیع اطلاعات و تجربیاتی که از رویدادهای چندین دهه گذشته آموخته اند ، ذهنیات مردم روستایی را بارورتر می سازد و نهایتاً در مراحل چندگانه درها به روی خانواده ها گشوده می شوند و بیکاران پنهان - که به صورت انگلی بر اقتصاد معیشتی خانواده ها چسبیده بودند - با تقدم و تأخر نسبت بهم ، از ده الیف اوغلو و همه الیف اوغلوهای دیگر - که به علل مختلف پیشتر روستاهای در حال تغییر هستند - خارج می شوند ، برخی از منطقه آنجا گذشته و در نزدیک ترین شهر کارگر طلب سکنی می گزینند . عطش نوجویی و سودبری و جذبه های گار و در آمد ، بهترین مناطق شهری را نشانه رفته اند و نهایتاً عهدی از آنان نیز بایک و یا چند مرحله موفق می شوند تا خود را به آن شهردور دست ایده آل ، شکوهمند و امیدبخش (تهران) ، که می گویند پول درخیا بان ریخته ولی کسی نیست آن را جمع کند ، برسانند . صدها داستان و ضرب المثل دیگر وجود دارد که هر کدام محصول این دوره گذارانند و همگی ترك خانه و کاشانه و روستا را تبلیغ می کنند و به راه افتادن را ؛ راهی که در انتهایش دختر کوچک سلطان و یا شاه پریان در انتظار نورسیده ها نشسته است .

توجه داریم که روند تغییرات و فرآیندهای بعدی آن ، من جمله مهاجرت از روستاها به شهرها ، با آن که به مسایل ملی بستگی دارند ، به مناطق مختلف و

ظرفیت‌های محلی و منطقه‌ای نیز وابسته‌اند. به‌طور مثال گردش سرمایه‌های شهری در بازارهای روستاهای مجاور شهرها زودتر و عمیق‌تر آغاز و دوام می‌یابند و عموماً دگرگونی شهرها به روستاهایی که ارتباطات وسیع‌تری دارند. زودتر منتشر می‌گردد. نوع مالکیت اراضی هر روستا، مناسبانی که بین مالک و زارع برقرار است، شکل مناسبات طبیفه‌ای و میزان انسجام آنها، وجود اراضی جماعتی، تعداد و تراکم جمعیت هر روستا نسبت به وسعت اراضی و ظرفیت منابع، نوع مشاغل و چگونگی تقسیم کار و درآمد در آنها، آب و هوا و نوع محصولات و ظرفیت محل از نظر تولیدات قابل عرضه در شهرها و بالاخره تاریخ و فرهنگ خاص هر منطقه و جایگاه جغرافیایی آن، شرایطی را فراهم می‌آورند که تحت آن شرایط، انتشار تغییرات ملی و شهری بدون مانع و یا با موانع ویژه محلی، تند و یا کند انجام می‌گیرد. به همین سبب، در حالی که تعدادی از استان‌ها و مناطق کوچک‌تر طی سالیان گذشته در جریان «مهاجرت به‌علل تغییر» شرکت دارند و مراحل اولیه را به پایان برده‌اند؛ هنوز در برخی از استان‌های کشور مناطقی یافت می‌شوند که در جریان تغییرات اجتماعی قرار نگرفته‌اند و از نظر زمانی، از قافله مهاجرت ایران یک و یا چند دهه فاصله دارند. بدین جهت وقتی از یک نوع مهاجرت در دوره‌ای از زمان سخن به‌میان می‌آوریم نظیرمان این است که از آن زمان روندی جدید در ابعاد قابل طرح و یا احیاناً غالب در کل سیستم مهاجرتی ایران ظاهر شده است، در عین حال که به ویژگی و تقدم و تأخر مناطق مختلف در سطح کشور آگاهیم و در ادامه این مقال باز هم در این مورد توضیح خواهیم داد.

(مقاله ادامه دارد)

یادداشت‌ها و منابع

- ۱- سازمان برنامه و بودجه ، دفتر جمعیت و نیروی انسانی ، سیمای نیروی انسانی و اشتغال ، تهران ، ۱۳۵۷ ، ص ۲۵ .
- ۲- سازمان برنامه و بودجه ، دفتر برنامه‌ریزی اجتماعی و نیروی انسانی ، تحولات اعتبارات بخش‌های اقتصادی و اجتماعی از ۱۳۴۵ تا ۱۳۵۶ . تهران ، ۱۳۵۹ ، ص ۴۳ .
- ۳- آرتور لوئیس ، به نقل از پل سینجر ؛ اقتصاد سیاسی شهرنشینی ، کاظمی و حسامیان ، مطالعات شهری و منطقه‌ای ۲ ، نشر ایران ، ۱۳۵۸ ، ص ۱۵ .
4. Süha Güney; Şehir Coğrafyası, IST. Ed. Fa. 2274 Sayı , S. 56.
- ۵- پل سینجر ؛ بررسی و شناخت نظری مهاجرت‌های داخلی ، کاظمی ، ۱۳۵۸ ، ص ۳۷ .
6. Rusem Keles ; 100 Soruda Türkiye'de Şehirleşme Ve Gece Kondu, 2 Baskı, Gerçek Yayınevi, IST. 1978.
- Bakiöz; Türkiye'de Göç Olgusu, Sorunları Ve Cözümü, Gençlik Basımevi, IST. 1978.
- Erol Tümertekin; Türkiye'de Şehirleşme Ve Şehirsel Fonksiyonlar, IST, Üni. Yay. No. 1840, 1973.
- ——— ; Türkiye'de iç Göçler, IST. Üni. Yay. No. 1477, 1968.
- Taylan Akkayan; Göç Ve Değişme , Ed. Fa. Basımevi , IST, 1979.
- خسرو خسروی ؛ جامعه دهقانی در ایران ، انتشارات پیام ، تهران ، ۱۳۵۸ .
- ۷- بانک مرکزی ایران ، گزارش اقتصادی و ترانزنامه سال ۱۳۵۷ ، تهران ، ص ۳۵ .

۸- گروه مطالعات شهری و منطقه‌ای زیر نظر میشل روشفور؛ سازمان‌یابی فضا در کشورهای تحت سلطه و نقش فعالیت‌های بخش سوم، برگردان حسامیان، شماره ۴، تهران، ص ۹۷.

۹- پل متیک؛ گونار میردال بر سر دوراهی، جامعه‌شناسی فقر، ترجمه کریمی، چاپخانه سپهر، ۱۳۵۶، چاپ دوم، صص ۲۹۶-۲۹۷.

۱۰- مانوئل کاستل؛ شهر نشینی وابسته در امریکای لاتین، ترجمه مخبری، ۱۳۵۸، ص ۱۰۸.

۱۱- این کلمه نسبی است و در موقعیت‌های مختلف یک جامعه، در مقایسه با وضعیت جدید و برای بیان وضع سابق به کار می‌رود. امروز عموماً جامعه سنتی در مقابل جامعه صنعتی و مدرن مورد استفاده قرار می‌گیرد، در عین حال کلمات نیمه ایستا در برابر پویا، اقتصاد کشاورزی در مقابل اقتصاد صنعتی - خدماتی، شرایط رکودی در برابر مراحل رشد و توسعه، اقتصاد معیشتی و یا جامعه خود مصرف در برابر اقتصاد کالایی و جامعه مصرفی و حتی پیش سرمایه‌داری و زمین‌داری نیز با این مفهوم هم‌زمینه‌اند.

این کلمه در رشته‌های مختلف علوم اجتماعی با تعابیر مختلف به کار می‌رود. اقتصاددانان برای تبیین آن ملاک‌های اقتصادی را کافی می‌دانند. به‌طور مثال آواکف جوامع را به سنتی، در حال گذر و توسعه یافته تقسیم می‌کند و درآمدهای سرانه ۲۵۰-۲۰۰ دلار، ۵۰۰-۲۵۰ دلار، ۲۰۰۰-۵۰۰ دلار را شاخص این سه دوره می‌شناسد. (راچیک آواکف، مطالعات شهری و منطقه‌ای شماره ۳، ترجمه رجیبیان، ص ۳۶).

جامعه‌شناسان آن را وضعیتی نه تنها اقتصادی بلکه موقعیتی عام در همه زمینه‌های اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی می‌دانند. برای جلوگیری از این پراکندگی‌ها و پرهیز از بحث‌های نظریه‌دراین‌مقاله جامعه سنتی با ویژگی‌هایی که مورد نظر است، توضیح داده شده و به‌عنوان یلن موقعیتی ویژه از یک وضع معین اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی در نزدیک‌ترین موقع به زمان حاضر به کار گرفته شده است.

۱۲- مراد ما از تغییرات ساختی تبعیت از مکتب فونکسیونالیسم ساختی نیست. برخلاف نظرات آن از دورکیم و براون تا تالکوت پارسنز، مراد ما از ساخت سنتی مجموعه‌ای یکپارچه از عناصر بدون تغییر و تأثیر نیست، چرا که همان‌گونه که جامعه در حال تغییر است، ساختار آن نیز در همه حال در حال شدن می‌باشد.

۱۳- فعالیت تولیدی در روستا و گستره زراعت ایجاب می‌کند که در مناطق زراعی

خانواده گسترده به مهم‌ترین شکل خانواده‌ها تبدیل گردد. تأثیر و نحوه تولیدات شبانی در مناطق عشایری و زندگی در شهرها باعث شده تا در این دو جامعه (عشایری و شهری) خانواده هسته‌ای بر سایر اشکال آن غالب باشد. در این حال این مفهوم به سبب ناهمسانی نوع فعالیت تولیدی و چگونگی تلاش معموله برای تأمین زندگی در این دو جامعه متفاوت است. با آن که در این مورد تحقیقات موردی همین انجام نگرفته ولی فرض بر این است که مهم‌ترین شکل خانواده‌های روستاهای ایران نیز به طور سنتی گسترده بوده و در حال حاضر از گسترده به هسته‌ای دوره گذار خود را طی می‌نمایند. بدیهی است در این مرحله نیز خانواده هسته‌ای مناطق زراعی با خانواده هسته‌ای شهری متفاوت می‌باشد و عموماً در روستاها مدت‌ها پس از تجزیه خانواده اولیه، همه آنها در پیرامون اقتصاد یکپارچه و جمعی تجمع می‌کنند و در حالی که از نظر اجتماعی از هم جدا شده‌اند از نظر اقتصادی و یا پیوندهای فرهنگی به هم پیوسته می‌مانند و حتی پس از نیل به استقلال اقتصادی در شبکه خویشاوندی این پیوستگی را به نحوی حفظ می‌کنند. به جهت وجود شرایط دوره گذار در روستاها، گاهی اقتصاد خانواده‌های هسته‌ای از یک اقتصاد اختصاصی متعلق به خود همراه با یک اقتصاد جمعی متعلق به مجموعه هسته‌های پیوسته تشکیل می‌شود و در طول زمان، اقتصاد اختصاصی به اقتصاد جمعی غالب کرده و خانواده‌های هسته‌ای شکل مستقل به خود می‌گیرند.

۱۲- از اوایل قرن جاری تا قبل از تقسیم اراضی.

۱۵- فردریک بارث؛ مونوگرافی ایل باصری، کاظم و دبیمی، انتشارات مؤسسه

مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران، صص ۱۹۷-۱۹۶.

16. Cahit Tanyol; Elifoglu Köyünde, Sosyolji Dergisi, Sayi 17.18, IST. Uni. Ed. Fa. yay. 1977.

الیف اوغلو یکی از روستاهای ترکیه است که وسیله نام‌برده، دوبار به فاصله ۱۵ سال مورد بررسی قرار گرفته و در این فاصله تغییرات حاصله و از آن طریق تحولات جمعیتی و منجمله مهاجرت به مقایسه و تجزیه و تحلیل کشیده شده است. از آن نظر که از نتایج حاصل از این تحقیقات در این بخش مکرر یاد خواهیم کرد و در این حال، نظمی که از این مقایسه عاید شده است، صرف‌نظر از ویژگی‌های ملی، در مراحل با شرایط مهاجرتی روستاهای ایران دارای همانندی‌های بسیار است، این نام را برای روستای نمونه‌مان برگزیدیم. به خاطر این همانندی‌ها، به کاربردن این نام در دو کشور همسایه، ایران و ترکیه، و حتی به کار گرفتن

نتایج حاصل از مطالعات انجام یافته در کشورهای امریکای جنوبی نباید موجب شگفتی خواننده شود.

۱۷- برخی متخصصین به تبعیت از نظر اولیه دورکیم می‌نویسند «افزایش تعداد افراد درعین ثابت بودن فضای شان (افزایش تراکم) سبب بروز افتراق‌ها و تخصص‌ها می‌گردد، زیرا تنها بدین طریق است که یک سطح محدود می‌تواند افراد بیشتری را در خود بپذیرد (به نقل از لوئیز ویرت؛ شهرگرایی شیوه‌ای از زندگی، برگردان حسامیان، مطالعات شهری و منطقه‌ای ۵، ۱۳۵۸، تهران، صص ۵۲-۵۱) اما درعین حال که این نظر در شهرهای پرجمعیت کشورهای جهان سوم به تجربه تأیید نمی‌شود، حداقل باید پذیرفت که چنین پیش‌بینی‌ها در مناطق روستایی امکان بروز نمی‌یابد و جمعیت افزوده و متراکم آن (نسبت به منابع) در زمان معمول (کوتاه زمان) باعث بهبود شیوه‌های تولید نمی‌شود.

۱۸- مرکز آمار ایران، سالنامه آماری سال ۱۳۴۶، تهران، ۱۳۴۸.

19. Evli evinde, köylü köyünde, gerek.

۲۰- یادآوری می‌شود که برخی از جا به جایی‌های جمعیتی، بخصوص تغییر مکان جمعی کوچ‌نشینان با تولید شبانی (کوچ) - که بویژه در ادوار مختلف تاریخ ایران نمونه‌های فراوان دارد - خود قراردادی سنتی و تابع بروز عدم موازنه‌های طبیعی (جمعیت و منابع) و اجتماعی (بروز اشرافیت اتحادیه‌های ایلی) بوده است و تغییر ازادی‌مکان زندگی (مهاجرت) تلقی نمی‌شود.

21. Cahit Tanyol; Ibid, S. 21.

۲۲- پل سینجر؛ اقتصاد سیاسی شهرنشینی، پیشین، ص ۴۷.

۲۳- گونار میردال به نقل از پل سینجر؛ پیشین، ص ۴۷.

24. T. Lynn Smith; Why the Cities? Observation on Urbanization in Latin America, New York, 1964.

25. Cahit Tanyol; Ibid + Cavit Orhan Tütengil; Kırsal Türk İyе'nin Yapısı Ve Sorunları, Gerçek Yay. 1977.

26. Riza Ayrumlu; Iran'da Köyden Şehire Göç Olgusu, İST. Üni. Ed. Fa. Sosyoloji Bölümü, 1980.

۲۷- ن. ک. بلودا؛ درباره مهاجرت از شمال باختری ایران در پایان سده نوزده

و آغاز سده بیست، ناظم الاسلام کرمانی؛ تاریخ بیداری ایرانیان، به نقل از: لودمیلا کولا گنیا؛

- استیلاهی امپریالیسم در ایران ، سیروس ایزدی ، انتشارات علم ، ۱۳۵۹ ، صص ۶۰ و ۶۱ .
 ۲۸- پل سینجر ؛ اقتصاد سیاسی شهرنشینی ، پیشین : مهاجرت به علل رکودی .
 گونارمیردال ؛ پیشین : مهاجرت به علل پس رونده

(Regressivos = Backwash effects)

- ۲۹- کولاگینا ؛ پیشین ، ص ۶ .
 ۳۰- پیشین ، ص ۵۵ .
 ۳۱- پیشین ، صص ۵۱ و ۴۸ .
 ۳۲- پیشین ، ص ۷ .
 ۳۳- پل بروک ؛ جهان سوم در بن بست ، امیرحسین جهان بیگلو ، انتشارات شرکت سهامی خوارزمی ، ۱۳۵۵ ، ص ۳۲ .
 ۳۴- مراد از شهر های وابسته به روستاها ، تکنیک شهرهای معدنی ، صنعتی و یا بازرگانی از آنهاست که در رابطه بامنابع و اقتصاد غیرروستایی به وجود آمده و رشد می کنند و دوام آنها بسته به جذب ثروت از روستاها و مناطق پیرامون نیست .
 ۳۵- پل سینجر ؛ بررسی و شناخت نظری مهاجرت های داخلی ، پیشین ، ص ۴۲ .
 ۳۶- رضا آیرملو ؛ مردم شناسی با تکیه بر ایلات و عشایر ایران ، پای کپی ، قسمت دوم ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تبریز ، گروه علوم اجتماعی ، ص ۲۲۵ .
 ۳۷- در اینجا به جای توسعه ، رشد ، تحول و دگرگونی اجتماعی و اقتصادی و یا عمران و آبادانی ، از کلمه تغییر استفاده شده است ، چراکه از دیرباز ، درجهان سوم تغییرات وسیعی در جریان بوده که ضمن تأثیر در امر مهاجرت ، از نظر اقتصادی و اجتماعی واجد کیفیتی مطلوب نبوده و به کاربردن کلمه تغییر برای بیان این ویژگی مناسب به نظر می رسد .
 ۳۹- گذشته چراغ راه آینده است (تاریخ ایران در فاصله دو کودتا) ، نشر جامی ، ص ۱۳ .
 ۴۰- مرکز آمار ایران ، پیش بینی و گذشته نگری جمعیت شهری و روستایی ایران تا سال ۱۳۷۰ ، تهران .

41. Riza Ayrumlu; Ibid, SS. 64, 66.

42. Cavit Orhan Tütengil; Ibid, SS. 147 - 153.

تحقیقاتی که در این رابطه به وسیله این مؤلف جمع بندی و تحلیل شده به شرح

زیر هستند :

- دومرحله تحقیق در **Bati Anadolu** به وسیله **Yalein Dağlar** در سالهای
۱۹۲۶/۱۳۰۵ و ۱۹۵۰/۱۳۲۹ .
- در ۱۲ روستای **Sakarya** به وسیله دانشجویان مدرسه عارفیه در سال
۱۹۲۶/۱۳۰۵ .
- در روستاهای **Bolu** و **Bursa** به وسیله دانشجویان مدرسه مذکور در سال
۱۹۵۶/۱۳۳۵ .
- در ۴۴ روستای این مناطق به وسیله گروه‌های دانشجویی در سال‌های ۱۳۰۲/۱۹۲۳
و ۱۳۴۰/۱۹۶۱ که از طرف **Keles** و **O-Türkay** ، استادان دانشگاه آنکارا ، مورد
تجزیه و تحلیل قرار گرفته است .